

## فهرست مطالب

### اقليم اول

سعد حداد ۲۴؛ احمد بن الجعد ۲۴؛ بلاد الزنج ۲۴؛  
بلاد نوبه ۲۵؛ چين ۲۶؛ سرانديب ۲۷؛ جابلسا ۲۸.

يمن ۷؛ هجر ۱۶؛ سهيل يمني خواجه اويس قرنى  
۱۹؛ ابو عبدالله وهب ۲۱؛ شيخ محمد ۲۱؛ شيخ  
عيسى هتار ۲۳؛ شيخ ابوالغيث جميل ۲۳؛ شيخ

### اقليم الثانى

جرير و فرزدق ۴۵؛ هرموز ۴۸؛ دكن ۵۰؛  
مجاهد شاه ۵۱؛ داوود شاه ۵۲؛ سلطان محمود بن  
حسن شاه ۵۲؛ سلطان غياث الدين ۵۲؛ فيروز شاه  
۵۳؛ سلطان علاء الدين بن احمد شاه ۵۵؛ همايون  
پادشاه ۵۶؛ احمد نگر ۶۸؛ دولت آباد ۶۸؛ جونير  
۶۹؛ جيول ۶۹؛ تلنگانه ۶۹؛ احمد آباد ۷۲؛ ميان  
وجيه الدين ۷۳؛ مولانا غوثى ۷۳؛ ملك محمود ۷۴؛  
سودانى ۷۴؛ سومنات ۷۵؛ ناگور ۷۷؛ موزون ۷۷؛  
بنگاله ۷۷؛ سليم آباد ۷۹؛ جنت آباد ۷۹؛ گوره گات  
۷۹؛ اوديسه ۸۰؛ كوچ ۸۱

مكه ۲۹؛ ابو حازم ۳۲؛ ابوالويد عبدالملك بن  
عبدالعزیز ۳۳؛ ابوطالب محمد بن على ۳۳؛ الامير  
العميد فخرالدين تاج الافاضل خالد بن ربيع ۳۴؛  
ابوالمظفر ابراهيم ۳۶؛ مدينه متبركه ۳۶؛ سعد بن  
عباد ۳۸؛ ابويوب انصارى ۳۹؛ قيس بن سعد بن  
عباده ۳۹؛ جابر بن عبدالله سلمى ۴۰؛ ابو محمد  
سعيد بن المسيب المحزومى ۴۰؛ ابو عبدالله  
محمد بن عمر بن اقداسلمى ۴۱؛ محمد بن اسحاق  
۴۱؛ ربيعه بن ابى عبدالرحمان ۴۱؛ يمامه ۴۱؛  
مسيلمه كذاب ۴۳؛ حجاج بن يوسف ثقفى ۴۳؛

### اقليم الثالث

ابوالعباس بن عطا ۹۲؛ ابراهيم فاتك ۹۳؛ عباس بن  
يوسف الشكلى ۹۳؛ ابراهيم بن ثابت ۹۴؛ جعفر بن  
محمد الخلدى ۹۴؛ ابو زكريا بن يحيى بن معين ۹۴؛  
محمد بن على الوزير ۹۴؛ ابوبكر محمد بن عبدالله  
۹۴؛ ابو عبدالقاهر بن طاهر ۹۵؛ ابوالحسن محمد بن  
احمد ۹۵؛ ابوالعباس زيد المبرد ۹۵؛ ابوالحسن  
محمد بن طاهر ۹۵؛ ابوالحسن محمد بن عبدالله

ايران ۸۳؛ عراق عرب ۸۵؛ بغداد ۸۵؛ ابو عبدالله  
احمد بن محمد الشباني المروزي ۸۶؛ معروف  
كرخى ۸۷؛ ابوالحسن نورى ۸۸؛ ابوسعيد خراز  
۸۹؛ شيخ ابو محمد بن احمد رويم ۸۹؛ سمنون  
محب ۹۰؛ ابو عبدالله قلايسى ۹۰؛ ابواحمد  
قلايسى ۹۱؛ ابو عبدالله بن الجلا ۹۱؛ محمد بن  
الحسن الجوهرى ۹۱؛ شيخ ابوبكر كتانى ۹۲؛

محرومی سلامی ۹۶؛ ابوبکر بن محمد بن بهروز الطیب ۹۶؛ ابوالحسن علی بن حلال المعروف به ابن بواب ۹۶؛ جمال الدین المشهور به یاقوت ۹۷؛ ملک الکلام بهاء الدین محمد مؤید ۹۷؛ شمس الدین محمد بن مؤید المعروف به خاله ۹۹؛ فضولی ۱۰۱؛ کوفه ۱۰۲؛ اسود بن یزید النخعی ۱۰۳؛ شریح ۱۰۳؛ ابوهاشم الصوفی ۱۰۴؛ ابو عمرو شعبی ۱۰۴؛ ابویوسف یعقوب بن ابراهیم ۱۰۵؛ ابو محمد سلیمان بن مهران الاعمش ۱۰۵؛ ابو علی حسن المعروف به ابن زیاد ۱۰۵؛ عبدالرحمان بن حسن المشهور به ابوالفرج بن جوزی ۱۰۶؛ مسلم معاذ ۱۰۷؛ ابوالحسن علی بن حمزه کسای ۱۰۷؛ ابو ذکریا یحیی بن زیاد المعروف بالفرا ۱۰۷؛ ابوعماره حمزه بن حبیب تمیمی ۱۰۸؛ ابو عبدالله شریک ۱۰۸؛ ابوالمنذر هشام بن عروه ۱۰۸؛ متنبی ۱۰۹؛ الصدا لاجل العالم برهان الملة و الدین محمد بن عبدالعزيز ۱۰۹؛ نجف اشرف ۱۱۰؛ میرسید محمد عتوبی ۱۱۰؛ سرمن رای ۱۱۴؛ مداین ۱۱۶؛ بابل ۱۱۷؛ بصره ۱۱۸؛ خواجه حسن بصری ۱۱۰؛ حبیب عجمی ۱۹۹؛ مالک دینار ۱۲۱؛ عتبه بن انعام ۱۲۱؛ رابعة العدویة ۱۲۲؛ حارث بن اسد المحاسبی ۱۲۳؛ ابوالحسن الحصری ۱۲۴؛ ابوسعید مهلب ۱۲۴؛ ابوبکر محمد بن سیرین ۱۲۷؛ یحیی بن یعمر العدوانی النحوی ۱۲۹؛ ابو عبدالله مالک بن انس ۱۳۰؛ خلیل ابن احمد ۱۳۰؛ ابوفید مورج بن عمر سدوسی ۱۳۱؛ ایاس بن معاویة ۱۳۲؛ ابو محمد یحیی بن مبارک ۱۳۲؛ ابو علی محمد بن یحیی نحوی ۱۳۳؛ ابوالحسن نصر بن شمیل المازنی ۱۳۳؛ ابوبکر محمد بن حسن درید ۱۳۴؛ ابو عبیده نحوی ۱۳۵؛ ابوالعینا محمد بن القاسم ۱۳۵؛ ابو محمد قاسم بن علی حرامی حریری ۳۶؛ عباس بن عبدالعظیم ۱۳۷؛ عباس بن عبدالعظیم ۱۳۷؛ آبله ۱۳۸؛ خطیر الملک ابو منصور ۱۴۱؛ امیر شمس الدین و ولد ارشدش

امیر رکن الدین ۱۴۲؛ سید غیاث الدین علی ۱۴۲؛ صفی الدین [صفی یزدی] ۱۴۳؛ سراج الدین [یزدی] ۱۴۴؛ سید جلال عضد ۱۴۴؛ مولانا شرف الدین علی ۱۴۵؛ قاضی کمال الدین میر حسین ۱۴۷؛ امیر نظام الدین عبد الباقی ۱۴۷؛ سید نعیم الدین نعمت الله ثانی بن امیر نظام الدین عبد الباقی ۱۴۸؛ امیر غیاث الدین محمد میر میران ۱۴۸؛ شاه غیاث الدین عبدالعلی ۱۴۹؛ مولانا شرف الدین علی بافقی ۱۴۹؛ مولانا عبدالله ۱۵۱؛ مولانا محمد شرفی ۱۵۱؛ مولانا محمد ۱۵۲؛ کسوتی ۱۵۲؛ شوقی یزدی ۱۵۲؛ مولانا مؤمن حسین یزدی ۱۵۴؛ مولانا وحشی ۱۵۵؛ خواجه غیاث الدین نقشبند ۱۵۸؛ مولانا شمس ۱۵۹؛ مولانا آگهی ۱۵۹؛ میر محمد باقر ۱۶۰؛ عشرتی ۱۶۰؛ الفتی ۱۶۱؛ نجدی ۱۶۲؛ مولانا امینی ۱۶۳؛ مولانا زمانی ۱۶۳؛ مولانا حسن علی ۱۶۵؛ محمد باقر ۱۶۵؛ طیس گیلک ۱۶۶؛ شمس الدین محمد بن عبدالکرم ۱۶۶؛ امیر کمال الدین حسین ۱۶۹؛ ابرقوه ۱۶۹؛ مولانا عبدی ۱۷۰؛ فارس ۱۷۰؛ دارا بچرد ۱۷۱؛ ایچ ۱۷۲؛ نیریز ۱۷۵؛ اصطخر ۱۷۷؛ بیضا ۱۷۸؛ کازرون ۱۸۱؛ خواجه امین الدین ۱۸۱؛ شیخ امین الدین ۱۸۱؛ شیخ سعید الدین محمد ۱۸۳؛ مولانا جلال الدین محمد دوانی ۱۸۳؛ شیراز ۱۸۵؛ شیخ ابوالحسن کردویه ۱۸۶؛ ابوالعباس احمد بن یحیی ۱۸۶؛ بندار بن الحسین ۱۸۶؛ شیخ عبدالله خفیف ۱۸۷؛ شیخ مؤمن ۱۸۷؛ ابو محمد بن ابی نصر البقلی؛ المشهور بشیخ روزبهان ۱۸۸؛ شیخ ابوبکر طمستانی ۱۸۹؛ شیخ نجیب الدین علی بن بزغش ۱۹۰؛ ظهیر الدین عبدالرحمان بن علی بن بزغش ۱۹۰؛ شیخ عبدالله باکو ۱۹۱؛ ابن مقله ۱۹۱؛ ابوالفتح منصور بن داراسب ۱۹۳؛ احمد بن عبدالصمد ۱۹۴؛ عبدالحمید بن احمد بن عبدالصمد ۱۹۴؛ نصر الله بن عبدالحمید ۱۹۵؛ صاحب الکبیر قوام الملک نظام الدین هبة الله ۱۹۶؛ ضیاء الدین فارسی ۱۹۷؛ رفیع مرزبان ۲۰۱؛

بدر الدین ۲۰۴؛ شیخ شرف الدین مصلح بن عبدالله سعیدی ۲۰۴؛ خواجه مجد الدین همگر ۲۱۰؛ فرید فارسی ۲۱۵؛ ناصر بجه ۲۱۵؛ زنگی ۲۱۶؛ مولانا قطب الدین علامه ۲۱۶؛ قطب محیی ۲۱۷؛ فضل الله و صاف ۲۱۸؛ ابن نصوح ۲۱۹؛ خواجه حافظ ۲۱۹؛ ابواسحاق حلاج ۲۲۲؛ سعد گل ۲۲۴؛ امیر صدر الدین محمد ۲۲۵؛ امیر غیاث الدین منصور ۲۲۵؛ مولانا شمس الدین علی المشهور به فارسی ۲۲۶؛ مولانا نظام الدین ابویزید ۲۲۶؛ مولانا شرف الدین علی شیفتگی ۲۲۶؛ امیر سید اصیل الدین عبدالله ۲۲۶؛ امیر جمال الدین عطاء الله ۲۲۷؛ خواجه کمال الدین محمود ۲۲۷؛ مولانا لسانی ۲۲۷؛ بابا فغانی ۲۳۰؛ مولانا اهلی ۲۳۴؛ مولانا یاری ۲۳۸؛ کمال بن غیاث ۲۳۸؛ مولانا معینی ۲۳۹؛ مولانا مانی ۲۳۹؛ ملک قاسم نقاش ۲۴۱؛ امیر سید شریف الدین علی ۲۴۱؛ امیر سید شریف باقی ۲۴۲؛ امیر محب الدین حبیب الله ۲۴۳؛ شاه وجیه الدین خلیل الله ۲۴۴؛ میر مرتضی شریفی ۲۴۴؛ شاه ابو محمد ۲۴۵؛ مولانا میرزا جان ۲۴۵؛ میر فتح الله ۲۴۶؛ میر تقی الدین محمد نسابه ۲۴۶؛ حکیم عماد الدین محمود ۲۴۶؛ حکیم کمال الدین معین ۲۴۷؛ میرزا محمد حکیم ۲۴۷؛ قاسم بیگ ۲۴۷؛ شاه منصور ۲۴۷؛ عبدی بیگ ۲۴۸؛ خواجه شیخ محمد ۲۴۸؛ خواجه شیخ شریف ۲۴۹؛ مولانا عرفی ۲۴۹؛ امیر فارغی ۲۵۷؛ میر علی اصغر ۲۵۸؛ مولانا درویش حسین سالک ۲۵۸؛ مولانا قیدی ۲۵۹؛ عنایت الله ۲۶۱؛ مولانا غیرتی ۲۶۲؛ قدری ۲۶۳؛ مسلمی ۲۶۴؛ مکتبی شیرازی ۲۶۵؛ صحیفی ۲۶۵؛ اسیری ۲۶۶؛ ارشد ۲۶۷؛ ملهمی ۲۶۷؛ ایزدی ۲۶۷؛ داعی ۲۶۸؛ فتاحا ۲۶۸؛ نجاتی ۲۶۹؛ همدی ۲۶۹؛ پرتوی ۲۶۹؛ لار ۲۷۰؛ صدر الدین محمد ۲۷۲؛ شمس الدین محمد ۲۷۳؛ محیی لاری ۲۷۴؛ موالی ۲۷۵؛ حریفی ۲۷۵؛ خوزستان ۲۷۵؛ شوش ۲۷۶؛ عسکر مکرم ۲۷۶؛ دزفول ۲۷۷؛ شامجرد و مطران ۲۷۷؛ شوشتر ۲۷۷؛

ابوالوفا ۲۷۸؛ مولانا محمد تقی ۲۸۰؛ نشاطی ۲۸۱؛ نیازی ۲۸۲؛ نجما ۲۸۲؛ کرمان ۲۸۲؛ شیخ اوحد الدین حامد ۲۸۳؛ امام شمس الدین محمد بن الطغان ۲۸۶؛ طیان بمی ۲۸۷؛ افضل الدین ۲۹۰؛ کمال الدین خواجه ۲۹۲؛ عماد فقیه ۲۹۴؛ خرّم شاه ۲۹۵؛ قاضی شهاب الدین محمود ۲۹۶؛ خواجه شهاب الدین عبدالله البیانی ۲۹۷؛ شاه جهانگیر هاشمی ۲۹۸؛ امیر شمس الدین محمد ۳۰۱؛ امیر فضلی بمی ۳۰۲؛ امیر صافی ۳۰۳؛ سنجی ۳۰۳؛ واحد ۳۰۴؛ حافظی ۳۰۴؛ سیستان ۳۰۵؛ ابوالحسن علی بن جولوغ الفرخی ۳۰۷؛ ابوالفرج ۳۱۳؛ شمس الدین محمد مبارکشاه ۳۱۴؛ امام شمس الدین محمد بن نصیر ۳۱۵؛ تاج الدین یلدوز ۳۱۶؛ فرید الدین جاسوس الافلاک علی المنجم ۳۱۶؛ اجل العالم نصیر الدین ۳۱۷؛ الاجل العالم زین السنجری ۳۱۸؛ بدیع الدین ترکو ۳۱۹؛ ملک جلال الدین ۳۲۱؛ امیر کمال الدین ۳۲۲؛ قاضی احمد المشهور به قاضی لاغر ۳۲۲؛ قاضی بصیر ۳۲۳؛ عاشقی ۳۲۳؛ قراه ۳۲۳؛ امام شرف الدین محمد بن محمد ۳۲۴؛ قاضی برکه ۳۲۵؛ میرزا تمر ۳۲۵؛ بیخودی ۳۲۶؛ قندهار ۳۲۶؛ صدر لافاضل ابوالفتح بستی ۳۲۷؛ امام الاجل شمس الدین ۳۲۸؛ بیهقی ۳۲۹؛ عبدالرزاق بن حسن ۳۲۹؛ محمد شاه انسی ۳۳۰؛ خواجه حسن ۳۳۱؛ جنونی ۳۳۱؛ جوهری ۳۳۱؛ هاشمی ۳۳۲؛ عبدالله ۳۳۳؛ غزنین ۳۳۳؛ استاد الحکما مجد الدین آدم سنایی ۳۳۳؛ شیخ رضی الدین علی لالا ۳۴۳؛ السید الاجل اشرف الدین حسن بن ناصر العلوی ۳۴۴؛ جمال الدین محمد بن ناصر العلوی ۳۴۹؛ حکیم عثمان بن محمد المختاری ۳۵۰؛ شهاب الدین شاه ابو علی رجا ۳۵۵؛ ضیاء الدوله و الدین محمد بن ابی نصر ۳۵۶؛ اسماعیل ابن ابراهیم ۳۵۷؛ ابو حنیفه اسکافی ۳۵۷؛ سدید الدین علی بن عمر ۳۵۸؛ ابوبکر بن المساعد خسروی ۳۵۹؛ علی بن محمد الفتیحی ۳۶۰؛ جمال الدین ناصر ۳۶۱؛ مولانا

مبارکشاه ۴۳۰؛ محمدشاه بن فیروزشاه ۴۳۵؛ میرزا کامران ۴۶۴؛ میرزا عسکری ۴۶۸؛ میرزا هتدال ۴۶۹؛ الامیر الاعظم محمد بیرم خان ۴۷۰؛ امیرالاجل سپهسالار عبدالرحیم میرزاخان ۴۷۴؛ علیقلی و محمد سعید ۴۷۷؛ میرزا جانی ۴۷۸؛ زین خان کولکلتاش ۴۸۰؛ قلیچ محمدخان ۴۸۱؛ خان عالم ۴۸۲؛ ثانی خان ۴۸۲؛ عشقی خان ۴۸۳؛ سقای جغتایی ۴۸۳؛ محمدیوسف ۴۸۳؛ خواجه محمدرحیم عهدی ۴۸۴؛ مولانا یادگار حالتی ۴۸۴؛ محمدحسین ۴۸۴؛ شام ۴۸۵؛ دمشق ۴۸۷؛ شیخ ابوسلیمان عبدالرحیم دارانی ۴۸۸؛ ابوعمر ۴۸۸؛ ابراهیم بن داوود ۴۸۹؛ کفشیری ۴۸۹؛ شیخ سلیمان ترکمانی ۴۸۹؛ شیخ علی کردی ۴۹۰؛ بعلیک ۴۹۰؛ غزّه ۴۹۱؛ ابوعبدالله محمدبن ادريس ۴۹۱؛ حلب ۴۹۲؛ ضیح ۴۹۳؛ ابوعباده ولیدبن عبیده المعروف بیحتری ۴۹۳؛ عسقلان ۴۹۴؛ طرطوس ۴۹۴؛ مصر ۴۹۵؛ إخمیم ۴۹۹؛ ابوعلی الکاتب ۵۰۲؛ ابوالحسن القرافی ۵۰۳؛ ابوجعفر حدّاد ۵۰۴؛ اخی علی ۵۰۴؛ محمدبن عبدالله بن عبدالحکیم ۵۰۵؛ ابویعقوب یوسف بن یحیی البوسیطی ۵۰۵؛ عبدالملک بن ابوالقاسم ۵۰۶؛ الظاهر بالله بن الحافظ لدين الله ۵۱۰؛ العاضد لدين الله بن الفائز بنصرالله ۵۱۰؛ المنصور بقوة الله اسماعیل بن القايم با مرالله ۵۱۲؛ المعز لدين الله ابوتيميم بن المنصور بقوة الله ۵۱۲.

یعقوب چرخي ۳۶۲؛ میرمحمدخان ۳۶۳؛ میرزا عزیز کولکلتاش ۳۶۳؛ مولانا بیکیسی ۳۶۴؛ مولانا سیری ۳۶۵؛ لاهور ۳۶۵؛ فخرالزهاد محمدبن عبدالملک ۳۶۶؛ امضح العجم سراجالدين ابن المنهاج ۳۶۷؛ ابوجعفر عمر اسحاق ۳۶۷؛ العمید الاجل ابوالفرج بن مسعودالرونی ۳۶۸؛ ابوعبدالله روزبه بن عبدالله النکتی ۳۷۳؛ حمیدالدين مسعودبن سعد شالی کوب ۳۷۴؛ مولانا شیري ۳۷۴؛ مولانا محمود ۳۷۵؛ جشنی ۳۷۶؛ سرهند ۳۷۷؛ مولانا صفایی ۳۷۸؛ مولانا خاکی ۳۷۸؛ هانسی ۳۷۸؛ مولانا مغیث ۳۷۹؛ تهانیسر ۳۷۹؛ فردی ۳۸۰؛ بانی پت ۳۸۱؛ قادری ۳۸۲؛ دهلی ۳۸۳؛ محمدبن احمدبن علی المشهور به شیخ نظام اولیا ۳۸۴؛ مولانا بدرالدين اسحاق ۳۸۶؛ مولانا شمسالدين یحیی ۳۸۷؛ مولانا برهانالدين غریب ۳۸۷؛ امیرخسرو ۳۸۸؛ خواجهحسن ۳۹۵؛ شیخ جمالی ۳۹۸؛ مولانا علی احمد ۴۰۰؛ مولانا عبدالحق ۴۰۰؛ اظهري ۴۰۱؛ اگره ۴۰۱؛ شیخ ابوالفضل ۴۰۲؛ شیخ ابوالفیض فیضی ۴۰۳؛ وحشتی ۴۰۵؛ سراپی ۴۰۶؛ لکهنو ۴۰۶؛ اوده ۴۰۹؛ کالپی ۴۰۹؛ سلطان محمود سبکتکین ۴۱۵؛ خسروشاه بن بهرام شاه ۴۱۸؛ خسرو ملک بن خسروشاه ۴۱۸؛ سلطان شمسالدين التمش ۴۲۱؛ سلطان رضیه ۴۲۱؛ سلطان معزالدين بهرام شاه ۴۲۲؛ ناصرالدين محمود ۴۲۲؛ سلطان غیاثالدين بلبن ۴۲۳؛ سلطان علاءالدين ۴۲۷؛ قطبالدين

## اقلیم اوّل

[اقلیم اوّل] به زحل منسوب است و عامّة اهل این اقلیم اسودآلون باشند و ابتدای این اقلیم از جانب شمال جزیره یاقوت باشد، پس بر جانب بلاد چین و شمال سرانندیب و وسط دیار هند و سند گذرد و بحر فارس را قطع کند، و از جنوب بلاد عمّان و وسط بلاد یمن گذشته به بحر محیط منتهی شود، و مساحت این اقلیم ششصد و شصت و دو هزار و چهل و چهار فرسخ است. و در این اقلیم بیست کوه رفیع و سی نهر بزرگ و هزار و سیصد و چهل شهر است، و از آن جمله ابتدا شروع در ولایت یمن که شمع متوطنانش به نور اسلام و ایمان منور است<sup>۱</sup> می نماید و دماغ مطالعه کنندگان را از بخور عنبر بویان بزرگان آن مکان معطر می سازد.

### یمن

ولایتی است در غایت نزاهت و طراوت. بعضی یمن را به یمن<sup>۲</sup> بن قطن بن عامر بن شالخ<sup>۳</sup> بن ارفخشد بن سام بن نوح علیه السّلام منسوب گردانیده اند؛ و برخی گفته اند که چون بر یمین مکه معظمه واقع شده، هر آینه به یمن صفت اشتها پذیرفته. به هر تقدیر، قطری مبارک است و اکثر ولایتش نزدیک به خطّ استوا واقع شده. چون نوح علیه السّلام عالم باقی را منزل و مقام ساخت، سام بن نوح آن ولایت را به نظر احتیاط درآورده، جهت خود اختیار نمود. بعد از سام، اولادش عمرها در آن ولایت لوای اقامت برافراختند تا نوبت به قحطان بن هود که پدر سلاطین یمن است رسید و او را حق سبحانه و تعالی اولاد بسیار کرامت فرمود که یعرب و جرهم از آن جمله بودند.

۲. ر: ..... یمن را به ابن اقطن... متن مطابق دیگر نسخ.

۱. م: منوراند.

۳. ر: شامخ م، د: شالخ متن مطابق ج ه، ج.

و یعرب اوّل کسی است که به لغت عربی تکلم فرمود، و اعراب یمن تمام<sup>۱</sup> از نسل قحطان پیدا شدند و یعرب را پسری بود موسوم به یشحب و یشحب<sup>۲</sup> را ولدی در وجود آمد عبد الشمس نام، و او به عبادت آفتاب قیام می نمود، و اوّل کسی که در عربستان رسم سبی در میان آورد او بود. از این سبب او را سبالقب نهادند. و سبا هفده سال متصدی امر ایالت گشته، از او سه پسر به یادگار ماند: کهلان و مزّه و حمیر.

و بعد از انتقال سبا، کهلان قایم مقام پدر شده، ملوک بنی لخم و غسانیان از او به وجود آمدند؛ و بعد از فوت او برادرش حمیر بن سبا که نسب تمامی تبایعه<sup>۳</sup> یمن که تا نزدیک زمان اسلام بر مسند اقبال متمکن بودند به او می پیوندد، بر سریر سلطنت نشست. و چون حمیر به عالم دیگر انتقال نمود، اختلاف در میان قبیله پیدا شده، یکی از ایشان در مدینه سبا و دیگری در حضر موت پادشاه گردیده مدتها بر این منوال بود تا حارث رایش خروج نمود.

جمع اولاد حمیر بر سلطنتش اتفاق کردند و حارث به چهار پشت به حمیر بن سبا<sup>۴</sup> می رسد و او را رایش بدان جهت می گفتند که بسیار عطا بود و او صد و بیست سال حکومت کرد. و پس از فوت وی ابرهه بن الحارث افسر شاهی بر سر نهاده صد و هشتاد و سه سال<sup>۵</sup> کامرانی نمود. و بعد از او افریقس بن ابرهه متصدی امر سلطنت گشته صد و چهل سال به دولت و اقبال بگذرانید و<sup>۶</sup> چون او نماند، برادرش العبد بن ابرهه ملقب به ذوالاذعار گشته، مالک تاج و سریر گردید و مدّت سلطنتش را بعضی صد و پنجاه سال و برخی صد و بیست سال گفته اند.

و به زعم فارسیان کیکاووس به دست ذوالاذعار گرفتار گشته بود و بعد از فوت ذوالاذعار، سلطنت به هدهاد بن شرحبیل<sup>۷</sup> قرار گرفت و هفتاد و پنج سال پادشاهی نمود و بلقیس به قول بعضی از مورخان دختر هدهاد و به اعتقاد برخی خواهر هدهاد<sup>۸</sup> بود.

و چون بلقیس بیست سال افسر حکومت بر سر نهاد و در تحت امر و نهی سلیمان علیه السلام درآمد، ناشر بن عمرو بن شرحبیل به امر سلطنت قیام نمود، و بعد از او ابو

۱. ر: تمامی، متن مطابق سایر نسخ.

۲. ر: یشحب، متن مطابق دیگر نسخ.

۳. ر: طایفه، متن مطابق دیگر نسخ.

۴. ر: صد و بیست و سه سال متن مطابق نسخه ها.

۵. ر: صد و بیست و سه سال متن مطابق نسخه ها.

۶. بگذرانید چون... متن مطابق نسخه های دیگر.

۷. ر: ج: حداد.

۸. ر: م: د: شراحیل.

کرب<sup>۱</sup> شمر بن افریقس بن ابرهه پادشاه شد؛ و او از ملوک یمن به وفور اسباب حشمت<sup>۲</sup> و بسطت مملکت و افزونی لشکر و بسیاری مال و زر امتیاز داشت، و در ایام دولت خود با هزار عَلم که در سایه هر عَلمی هزار مرد مقاتل بود به جانب مشرق نهضت فرمود، و از جیحون گذشته ماوراء النهر را مسخر ساخت و بلده سغد را خراب ساخته شهری بساخت<sup>۳</sup> موسوم به شمرکند که عربان معرب ساخته سمرقند گفتند.

مدّت سلطنتش صد و بیست سال بوده و بعد از او پسرش ابو مالک مالک تخت و افسر گشت و مدّت پنجاه سال پادشاهی کرده درگذشت. امرا و ارکان دولت ولد ارشدش را که موسوم به اقرن بود به پادشاهی برداشته و اقرن بن مالک ملقب به تبع ثانی گردید و او معاصر بهمن بن اسفندیار بود؛ و مدّت ملکش را پنجاه و سه سال گفته اند.

و بعد از اقرن پسرش ذوقسان<sup>۴</sup> بر سریر سلطنت نشست<sup>۵</sup> و او با دارای بن داراب معاصر بود و هفتاد سال پادشاهی نمود و بر اثر وی برادر زاده اش ملک بن ابی کرب بن اقرن بر مسند سلطنت تکیه زده سی و پنج سال حکم راند. و بعد از او ملک به ابی کرب اسعد بن مالک بن ابی کرب منتقل شده، ابی کرب اسعد به تبع اوسط ملقب بود و چون به شدّت قهر و غضب اتّصاف داشت، یمنیان پسرش حسان را به سلطنت برداشته اسعد را به قتل رسانیدند؛<sup>۶</sup> و حسان بن تبع الاوسط چون بر اورنگ خسروی متکی گردید به تدریج اکثر قاتلان پدر خود را به قتل رسانید و بعد از آن لشکر به یمامه کشیده آن ولایت را به تصرف آورد؛ و زرقا را که تا سه روز راه نور باصره اش احساس اشیا می نمود به دست آورده و از وی پرسید که: چه چیز قوت رؤیت تو را به این غایت رسانید:

جواب داد که: هرگز نمک نخوردم و شبی بی آنکه سرمه در چشم کشم خواب نکرده ام.

و بعد از حسان عمرو بن تبع الاوسط بر سریر سروری برآمده، شصت سال پادشاهی نمود و او معاصر شاپور بن اردشیر بود و از عقب او عبد بن کلال متصدی امر حکومت گشت. اگر چه به دین عیسی ایمان آورد، اما ظاهر نتوانست کرد. زمان ایالتش هفتاد و چهار

۱. ر: م: ج: ابوکریک

۲. ر: م: د: ج: اسباب و حشمت... متن ج: ه.

۳. ر: م: د: ج: ساخته. متن ج: ه.

۴. ج: ه: ذوقیشان، ج: ذرجیشان.

۵. ج: ج: ه: برآمد.

۶. ر: ... رسانیدند و بعد از آن لشکر به یمامه... متن مطابق نسخ دیگر.

# تذکره هفت اقلیم

تاریخ تألیف: ۱۰۰۲ ه. ق.

امین احمد رازی

تصحیح، تعلیقات و حواشی

سید محمدرضا طاهری «حسرت»

سروش

تهران ۱۳۸۹

شماره ترتیب انتشار: ۱۴۳۷/۲